

The Positive Role of Pregnancy in the Crime of Adultery from the Perspectives of Jurisprudence and Law of Islamic Countries Abstract

Ruhollah Akrami *

Associate Professor in Criminal Law and University, Qom University, Qom, Iran

Abstract

Proof of sexual crimes discussed under the prescribed punishment, including adultery in Islamic jurisprudence, is subject to certain restrictive rules. One of the important issues in this regard is the ability to prove this crime based on the pregnancy of a woman who cannot be attributed to a legal marriage. According to *Imamia* jurisprudence and the majority of Sunni jurisprudential Schools, pregnancy does not suffice to prove a crime. However, *Maliki* and a minority of *Hanbali* jurists have considered pregnancy as one of the other shreds of evidence for adultery punishable by prescribed punishment. The differences in these jurisprudential approaches have affected the criminal justice systems of Islamic countries. Some countries, influenced by *Maliki's* jurisprudence, have considered pregnancy as one of the shreds of evidence for adultery. Although some did not consider it to be proof of prescribed punishment, they ruled that the accused could be punished through *Ta'zir*. Another group considers pregnancy to be out of pieces of evidence that can lead to punishment. In the present paper, with a descriptive-analytical method, while explaining the jurisprudential theories in this field and evaluating their reasons, we have examined the position of the legal and judicial system of several Islamic countries in this field.

Keywords: Evidence for Proving a Crime, Proof of Adultery Punishable by Prescribed Punishment, Pregnancy, Islamic Jurisprudence, Criminal law of Islamic Countries.

* Corresponding Author: r.akrami@qom.ac.ir

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی

روح‌الله اکرمی  * | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران

چکیده

در فقه اسلامی اثبات جرایم جنسی موجب حد از جمله زنا تحت قواعد محدودکننده خاصی است. یکی از مسائل مهم در این زمینه قابلیت اثبات این جرم به استناد بارداری زنی است که نتوان آن را به ازدواج مشروعی منتسب نمود. فقه امامیه و غالب مذاهب فقهی اهل سنت برای بارداری ارزش اثباتی قائل نیستند. با وجود این، مالکیه و اقلیتی از فقهای حنبلی بارداری را در عرض سایر دلایل اثبات زنا می‌داند. اختلاف رویکردهای فقهی مزبور در نظام‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی اثر خود را بر جا گذاشته است، به گونه‌ای که برخی از کشورها متأثر از فقه مالکی بارداری را در عرض اقرار و شهادت به عنوان یکی از دلایل حد زنا قلمداد نموده‌اند؛ بعضی نیز هر چند بارداری را موجب ثبوت حد ندانسته‌اند، در این فرض متهم را مشمول تعزیر قرار داده‌اند. دسته دیگر به طور کلی بارداری را از عداد دلایل معتبری که بتوانند مجازاتی اعم از حدی و تعزیری را برای متهم به دنبال آورند خارج دانسته‌اند. در نوشتار حاضر با روشی تحلیلی-توصیفی ضمن تبیین آرای فقهی مطرح در این زمینه و ارزیابی دلایل آنها، موضع نظام تقنینی و قضایی تعدادی از کشورهای مسلمان را کاویده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: دلایل اثبات جرم، اثبات حد زنا، بارداری، فقه اسلامی، حقوق کیفری کشورهای اسلامی.

مقدمه

تحقق اهداف سیاست کیفری زمانی متصور است که جرایم ارتكابی به شیوه معتبری اثبات شوند تا بتوان با تعیین و اجرای ضمانت اجراها اصلاح فرد و صیانت از جامعه و در یک عبارت کلی‌تر پیشگیری از تکرار جرایم را رقم زد. حقوق اسلامی اثبات جرایم جنسی و مشخصاً جرم موجب حد زنا را به جهت ویژگی‌های خاص آنها، مشمول قواعد محدودکننده‌ای قرار داده است که تا حد امکان از محکومیت افراد اجتناب شود. یکی از مباحث شایسته بررسی در این زمینه اعتبار بارداری به عنوان یک دلیل مثبت جرم زنا است که از نظر حقوقی رویکرد همسانی نسبت به آن اتخاذ نشده است. چنانچه زنی باردار شود و نتوان بارداری وی را به نکاح مشروعی منتسب نمود، آیا قابلیت شناسایی به عنوان مدرک محکومیت به حد زنا را دارد؟ مذاهب فقهی و نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی در برخورد با این مسئله مواضع مختلفی را اتخاذ نموده‌اند. در این تحقیق با روشی تحلیلی-توصیفی تلاش شده است تا موضوع مزبور در فقه و به تبع آن در نظام حقوقی کشورهای مذکور و از جمله ایران مطالعه شود. برای این منظور، در ابتدا مسئله را از منظر فقه جزایی بررسی می‌کنیم و در ادامه انعکاس مواضع فقهی را در حقوق برخی از کشورهای اسلامی پی می‌گیریم.

۱. بررسی فقهی

در مورد قابلیت اثبات حد زنا به استناد بارداری زنی که ازدواج نکرده و یا امکان انتساب جنین به شوهرش وجود ندارد، فقهای اسلامی اتفاق نظر ندارند. موضوع مزبور را در فقه اهل تسنن و تشیع به طور جداگانه تبیین نموده‌ایم.

۱-۱. فقه اهل سنت

مذاهب فقه عامه در مورد شناسایی بارداری به عنوان دلیل اثبات حد زنا اختلاف نظر دارند. مالکیه و برخی از فقهای حنبلی این مورد را به عنوان دلیل اثبات زنا پذیرفته‌اند، ولی اکثریت

حنابله مانند جمهور فقهای شافعی و حنفی با این موضع مخالفت نموده‌اند که در ادامه ضمن تبیین دیدگاه‌ها به ارزیابی ادله آنها پرداخته‌ایم.^۱

۱-۱-۱. نظریه پذیرش قابلیت اثباتی بارداری

فقهای مالکی و اقلیتی از فقهای حنبلی بارداری زن بی‌شوهر را به عنوان دلیل مستقلاً در عرض اقرار و بینه در عداد دلایل اثبات حد زنا محسوب نموده‌اند (ابن ابی زید قیروانی، بی تا: ۱۷۴؛ ابن اسحاق مالکی، ۱۹۸۱: ۲۸۶؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۸۴-۸۳؛ ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰: ۶ و ۸۷) و حتی برخی معتقدند دلیل بارداری از بینه قوی‌تر است.^۲ مقصود ایشان از شوهر کسی است که امکان الحاق حمل به او وجود داشته باشد، لذا شامل افرادی مثل طفل و مجبوب یا شوهری که کمتر از شش ماه از عقد گذشته باشد نخواهد شد (ابن عرفه دسوقی، ۲۰۱۰: ۳۱۱). در این راستا پیشوای مالکیه در موطا بیان داشته است: «اگر زن بارداری یافت شود که شوهر ندارد و ادعا کند اکراه شده‌ام یا ازدواج کرده‌ام، سخن او پذیرفته نمی‌شود و حد بر او جاری می‌شود مگر آنکه بر اکراه یا ازدواجش بینه بیاورد یا در صورتی که باکره باشد در حالی که آلوده به خون بوده بیاید و یا در حالی که یاری می‌طلبیده بیاید و یا در مشابه چنین شرایطی حاضر شود که تجاوز به او را نشان دهد؛ و در غیر این صورت حد بر او جاری می‌شود و مدعی او مورد قبول واقع نمی‌شود» (ابن انس، ۱۴۱۷: ۳۹۰).

همان‌گونه که از بیان مزبور بر می‌آید مجرد حمل بر زنا دلالت دارد، لذا ادعاهای متهم باید با دلیل و قرینه تأیید شوند تا حد از او برداشته شود. در موطا از برخی ادعاها مانند عنف و اکراه و ازدواج سخن به میان آمده است که موضوعیتی ندارد، لذا در ادعاهای دیگری که ممکن است متهم در دفاع از خود بیان کند مانند آنکه حمل به جهت نفوذ منی پس از تفخیز

۱. گفتنی است در ارزیابی اقوال فقهای عامه، روش نقد بنایی و نه مبنایی مطمح نظر است و با مفروض انگاشتن مستندات

خود اهل سنت و نه بر اساس مبنای فقهی امامیه، نظریات آنها بررسی شده است.

۲. ابن قیم در این زمینه می‌نویسد: «الرائحه و الحبل علی الشرب و الزنا أولى من البینه قطعاً، فکیف یظن بالشریعه إلغاء اقوی الدلیلین» (ابن قیم جوزیه، ۱۴۲۳: ۵۱۶).

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی؛ اکرمی ۱۰۵ |

یا در گرمابه بوده است نیز همین ضابطه جاری است که باید امارات تأییدکننده‌ای وجود داشته باشند (ابن عرفه دسوقی، ۲۰۱۰: ۳۱۲).

با وجود این، بیان تعدادی از قائلین به دلیل بودن بارداری بر زنا به گونه‌ای است که حمل در صورتی مثبت حد زنا است که ادعای متهم شبهه ایجاد ننماید. به نظر این دسته فرضاً اگر زن ادعا کند بارداری او ناشی از نزدیکی با شوهر سابق یا غایبش است، اظهار داشته‌اند که چنانچه آن زن فرد شناخته‌شده‌ای نباشد، به نحوی که امکان صدق ادعا نسبت به او برود، قول او پذیرفته می‌شود. همچنین است در فرضی که ادعا کند حمل ناشی از نفوذ منی از طریقی به جز آمیزش بوده است، که بعضی معتقدند حد از او ساقط است (ابن فرحون یعمری، ۲۰۰۳: ۸۸). همچنین، گفته شده اگر متهم ادعا کند بارداری ناشی از نزدیکی به شبهه یا حین خواب بوده است، قولش پذیرفته می‌شود (خرشی، ۱۳۱۷ق: ۸۱).

مهم‌ترین دلایل این نظریه شامل سنت، اثر و اجماع صحابه و عقل است که بدین شرح

تبیین می‌شوند:

الف - سنت. در سنن ابی داود در روایت موسوم به بصره نقل شده در مورد مردی که با دختر باکره‌ای ازدواج کرده و او را باردار می‌یابد، پیامبر اکرم (ص) امر به شلاق زدن به نقلی و بنا بر نقل دیگر اقامه حد بر آن زن می‌فرماید (ابی داود، ۱۴۱۹: ۳۷۰). روایت مزبور از نظر سندی به جهات مختلف قابل استناد نیست، مانند ضعف برخی از راویان مانند ابن جریر و اینکه مروی عنه ابن جریر شخصی به نام ابن ابی یحیی است، که مورد اعراض است و به علاوه ارسال در روایت از ناحیه سعید بن مسیب وجود دارد (ابوزید، ۱۴۱۵: ۱۵۲-۱۵۰) در روایت دیگری نقل شده هلال بن امیه همسرش را به زنا با فردی به نام شریک بن سحماء متهم نمود ولی بینه‌ای نداشت و لعان واقع شد. در این مورد نبی مکرم اسلام (ص) شباهت ظاهری فرزند نفی شده در اثر لعان را با شریک بن سحماء قرینه بر انتساب به او گرفتند (بخاری، ۲۰۰۲: ۱۱۸۶). از این رو، بر اساس اماره، انتساب فرزند به اجنبی معتبر دانسته شده است، لذا ایرادی در اجرای حد وجود ندارد. در پاسخ گفته شده است این روایت خود دلیل بر عدم ثبوت حد از طریق اماره بوده است، زیرا در حالی که حسب نقل نبی اکرم (ص)

انتساب به غیر شوهر را موافق اماره پذیرفتند ولی بر مجازات زنا حکم نداده‌اند و در خود روایت آمده که فرمودند: «لو لا ما مضی من کتاب الله، لکان لی و لها شأن» (عبیدات، ۲۰۱۴: ۵۹۴). پاسخ اخیر قابل پذیرش نیست، زیرا اتفاقاً جمله اخیر خود مؤید آن است که لعان مانع از برخورد متفاوت بوده است نه اینکه اماره قابلیت اثباتی نداشته است. اما در هر حال با این وصف نیز روایت مزبور هم نمی‌تواند قول به ثبوت حد به استناد بارداری را ثابت کند، زیرا اولاً در اینجا ملاک اصلی نه حمل، که شباهت فرزند به اجنبی است و ثانیاً معلوم نیست حتی اگر لعان واقع نمی‌شد قطعاً نتیجه رسیدگی حضرت (ص) به اجرای حد منتج می‌شد، حتی اگر گفته شود چنین احتمالی ظهور بیشتری دارد لکن همچنان روایت از این جهت دارای اجمال است.

ب- آثار و اجماع صحابه. از دیگر دلایلی که برای نظریه ثبوت حد زنا بر اساس بارداری مورد استناد قرار گرفته است سیره صحابه و اجماع ایشان بر این امر است. در دو خبر نقل شده که خلفای دوم و سوم قصد رجم زنان متأهلی را داشتند که شش ماه پس از ازدواج وضع حمل نموده بودند، که در هر دو مورد حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) با استناد به آیات قرآن کریم مبنی بر اینکه دوره بارداری و از شیر باز پس گرفتن نوزاد سی ماه است،^۱ در حالی که مدت شیرخوارگی در آیه رضاع دو سال معین شده است،^۲ لذا شرعاً شش ماه به عنوان مدت بارداری پذیرفتنی است، سبب شدند که خلفا از سنگسار متهمان خودداری کنند (ابن انس، ۳۸۷: ۱۴۱۷-۳۸۶؛ بیهقی، ۲۰۰۳: ۷۲۷)؛ تقریر استدلال به این قضاوت‌ها آن است که حمل دلیل بر زنا شناخته شده بود (ابن قدامه مقدسی، ۲۰۰۴: ۲۲۰۹) و چنانچه تولد فرزند قبل از شش ماه رخ می‌داد متهم رجم می‌شد. در پاسخ گفته شده اولاً این دو نمونه صرفاً بر تصمیم خلفای دوم و سوم دلالت دارد که با هدایت حضرت امیرالمؤمنین (ع) از آن عدول نموده‌اند. ثانیاً در برخی روایات از قضاوت‌های دیگری از خلفا

۱. «و حمله و فضاله ثلاثون شهراً» در سوره مبارکه احقاف، آیه شریفه ۱۵.

۲. «و الودات یرضعن اولادهن حولین کاملین» در سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۳۳.

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی؛ اکرمی ۱۰۷ |

یاد شده که خلاف این موضع را اختیار نموده و با بررسی علت بارداری و طرح شبههٔ اکراه متهم تبرئه شده است (عبیدات، ۲۰۱۴: ۶۰۱).

علاوه بر قضاوت‌های مزبور، از خلیفهٔ دوم نقل شده که در جمعی از صحابه اظهار داشته: «الرجم فی کتاب الله حق علی من زنی إذا احسن من الرجال و النساء، إذا قامت البینه أو کان الحبل أو الاعتراف» (بخاری، ۲۰۰۲: ۱۶۸۹). هر چند ممکن است گفته شود چون این سخن در جمعی از صحابه بیان شده و کسی با آن مخالفت ننموده است، لذا بیانگر اجماع بین ایشان بوده است، در پاسخ گفته شده این امر مستلزم تحقق اجماع نیست، چرا که نظر بیان شده ناشی از اجتهاد شخصی بوده که انکار مخالفین در چنین مسائلی ضرورت ندارد (شوکانی، ۲۰۰۵: ۴۷). با وجود این علاوه بر نقل مزبور، از حضرت علی (علیه‌السلام) نیز روایت شده است که فرمودند «زنا بر دو قسم است، زنا پنهانی که گواهان بر آن شهادت دهند (...) و دیگری زنا علنی که در جایی است که بارداری شخص نمایان شده و یا اقرار نماید» (ابن ابی شیبه عبسی، ۲۰۰۸: ۳۶۴). در مغنی پس از ذکر روایت اخیر بیان شده که این بیان بزرگان صحابه است و در آن دوره کسی با ایشان مخالفت نکرده است و لذا این مسئله اجماعی است. با وجود این، باید گفت ادعای تحقق اجماع نیز ناتمام است، زیرا در اخبار منقول از صحابه اختلاف وجود دارد (ابن قدامه مقدسی، ۲۰۰۴: ۲۲۰۹)، که در دلایل نظریهٔ دوم مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

پ- عقل. زمانی که بر اساس شهادتی که ممکن است در معرض خطا یا کذب باشد زنا ثابت می‌شود، نمی‌توان از دلیل بارداری که ظهور بیشتری بر زنا دارد در جایی که متهم سبب مشروع آن را ثابت نکرده است چشم‌پوشی نمود (ابوزید، ۱۴۱۵: ۱۵۳؛ ابوالقاسم، ۱۹۹۳: ۳۳۱) و احتمالات نادر در این خصوص نیز قابل اعتنا نیستند، همانند برخوردی که با احتمال کذب مقرر یا شاهد می‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۸۴).

دلیل مزبور نیز قابل مناقشه است، زیرا در شهادت با توجه به شرایط و نصاب لازم در شهود و شیوهٔ خاص تحمل شهادت در زنا به نحوی که نوعاً به تحقق مشهود به اطمینان حاصل می‌شود، با بارداری که علت آن می‌تواند نکاح مشروع، وطی به شبهه و حتی منشأیی به جز

نزدیکی داشته باشد قابل قیاس نیست. از این رو، زمانی که بارداری مستقیماً اصل رابطه جنسی را ثابت نکرده است نوبت به بحث از نادر بودن احتمالات عارضی نمی‌رسد. در هر صورت چنین تقریری را نه فقط عقل به طور مستقل که حتی سیره عقلاً تأیید نمی‌کند و موضع اکثریت فقهای مذاهب مختلف اسلامی خود مؤیدی بر این مطلب است.

۱-۱-۲. نظریه عدم پذیرش قابلیت اثباتی بارداری

فقهای حنفی (ابن نجیم، بی تا: ۷)، شافعی (شرینی، ۱۹۹۷: ۱۹۰) و اکثریت فقهای حنبلی (بهوتی، ۲۰۰۰: ۱۹۷) بارداری زنی را که نتوان حمل را به نکاح مشروع منتسب نمود به عنوان دلیل اثبات زنا نپذیرفته‌اند. قائلین به این دیدگاه به جهت در معرض شبهه بودن اثبات زنا از طریق بارداری ضمن استناد به قاعده در آنکه برگرفته از برخی روایات منقول از نبی مکرم اسلام (ص) است، به عمل اصحاب نیز تمسک نموده‌اند. خلیفه دوم در یک مورد زن بارداری را که مدعی بود هنگام خواب به او تجاوز شده است (بیهقی، ۲۰۰۳: ۲۲۹-۲۲۸؛ ابن قدامه مقدسی، ۲۰۰۴: ۲۲۰۹) و در مورد دیگر زن بارداری را که مدعی بود اکراه به زنا شده است تبرئه نمود.

در مقام ارزیابی ادله مزبور باید گفت اولاً اخبار مذکور ظهور در آن دارند که شبهه خواب و اکراه مانع حکم به حد شده‌اند و نه آنکه بر بی اعتباری بارداری دلالت نمایند. ثانیاً با توجه به این اخبار نمی‌توان به طور قطع مخالفت صحابه را با دلیل بودن بارداری در زنا حدی استنتاج نمود. از این رو، حقیقتاً اختلاف قابل اعتنایی در اخبار مذکور از صحابه در این زمینه دیده نمی‌شود که بتوان با آن دلایل نظریه سابق را مورد خدشه قرار داد. اما چون در هر حال بارداری مستقیماً بر وقوع زنا دلالت ندارد، بحث وجود شبهه در این زمینه قابل چشم‌پوشی نیست و از این رو مجرد حمل اگر در معرض شبهه باشد نمی‌تواند مثبت حد باشد، هر چند گفته شود این شبهات خلاف ظاهر و نادر هستند.

۱-۲. فقه امامیه

در فقه امامیه هیچ دلیل نقلی معتبری که اثبات زنا بر اساس بارداری را مدلل سازد وجود ندارد. از این رو، فقهای شیعی بنابر اقتضای اصول بر بی اعتباری حمل به عنوان دلیل مثبت

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی؛ اکرمی ۱۰۹ |

زنا اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۳۸۷: ۸؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۹) و بر این حکم می‌توان به دلایلی چند استناد نمود: اصل برائت (طوسی، ۱۳۸۷: ۸)، اصل عدم جواز حد بدون دلیل، اصل استصحاب عدم ارتکاب زنا (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۸۹)، اصل صحت فعل مسلمان (جمعی عاملی، ۱۴۱۳: ۳۵۱) و اعم بودن منشأ بارداری از زنا (موجب حد (آصف محسنی، ۱۴۲۴: ۴۰؛ موسوی خلخالی، ۲۰۱۲: ۴۵۶)، که آن را در معرض شبهه قرار می‌دهد و حدود با شبهات ساقط می‌شوند.

با وجود این، بحث بر سر آن است که در این صورت می‌توان از زن سؤال نموده و تحقیق به عمل آورد؟ در این خصوص سه موضع وجود دارد. بعضی معتقدند به جهت آنکه تحقیق در این زمینه مصداق تجسس در اسرار مسلمین و نیز اشاعه فحشاء یا دست کم در معرض آن است حرام و ممنوع است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۱۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۹۱؛ مدرسی، ۱۴۳۰: ۱۰۷). ظاهر کلام عده‌ای دیگر آن است که تحقیق جایز است (فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۵)، چراکه اصل بر جواز سؤال و تحقیق است مادام که دلیلی بر منع ثابت نشود.

موضع سوم که شیخ طوسی در مبسوط اتخاذ نموده است بر ضرورت تحقیق دلالت دارد. ایشان در خصوص زن بارداری که شوهر ندارد می‌فرمایند در این زمینه از او می‌پرسند، چنانچه به ناشی شدن حمل از زنا خبر دهد حد ثابت می‌شود و در غیر این صورت حد جاری نمی‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۸-۷).^۱ موضع وجوب تحقیق از سوی بعضی از معاصرین نیز اختیار شده است و ایشان دلیل آن را وجوب نهی از منکر، اقتضای اجرای حدود و مقابله با امری می‌دانند که حسب ظاهر منکر می‌نماید مگر آنکه ثابت شود که حقیقتاً منکر نیست؛ چه در

۱.. برخی وجوب تحقیق از منظر شیخ طوسی (ره) را امر مطلق ندانسته بلکه آن را ناظر بر جایی دانسته‌اند که خانواده با آبرویی به واسطه موضوع در معرض طعن و هتک حرمت قرار گرفته باشد که با این اوصاف بیم فساد بیشتر و فتنه باشد که با تحقیق در این زمینه و کشف حقیقت از این تبعات پیشگیری کنیم، که در حقیقت اجازه چنین تحقیقی از باب قاعده دفع افسد به فاسد است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۱۸۱). توجه دیگر آن است که حکم وجوب ناظر بر حالتی است که بیم شیوع فساد و محرمات در اثر تکرار اعمال مزبور باشد که برای پیشگیری می‌توان به وجوب تحقیق حکم نمود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۹۲). لکن حقیقتاً چنین تقییداتی خلاف ظاهر عبارت مبسوط است.

صورت ممنوعیت تحقیق هر کسی حق ارتکاب انجام منکرات را پیدا نموده و بعد عذر می آورد که عملش را از روی اجازه، جهل و نظایر آن انجام داده است؛ در حالی که این مبنا با تکلیف همگانی به مقابله با منکرات و حفظ حدود الهی سازگاری ندارد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۰۶). دلایل مزبور قابل مناقشه اند، زیرا اجرای حدود واجبی است که مشروط به اثبات موجب است و مادام که شرط محرز نشده است اصل ضرورت اجرای حدود نقض نشده و نمی توان تعطیلی حدود را ناظر بر عدم اجرای حد نسبت به مجرد وقوع موجب آن در عالم خارج و با قطع نظر از اثبات شرعی آن دانست. به علاوه حتی بر فرض اثبات موجب حد، نسبت به استناد دیگر باید گفت زمان وقوع آن گذشته است، لذا منطقیاً مشمول حکم وجوب نهی از منکر قرار نمی گیرد. این هم که گفته شده چون ظهور این امر در تحقق منکر است، قابل دفاع نیست چرا که «اگر منظور ظهور معتبر عقلایی است که خود اول کلام است و اگر منظور ظن است دلیل قطعی بر اعتبار آن وجود ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۱۹۱). در مقام ارزیابی نظرات بیان شده باید گفت اولاً در مورد اینکه بارداری یک دلیل مستقیم در عرض سایر ادله جهت اثبات زنا قابل استناد باشد دلیلی وجود ندارد و ثانیاً اگر بگوییم بارداری اماره ای است که می تواند زمینه علم قاضی را فراهم کند، چون مستنبط از روایات آن است که جرایم جنسی موجب حد مانند زنا جز از طریق اقرار و شهادت قابل اثبات نیستند و علم قاضی در این زمینه حجیتی ندارد (منتظری، ۱۳۸۴: ۲۴۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳: ۳۰۲)، لذا به تبع بارداری زن فاقد شوهر هر چند در کنار سایر قرائن موجب تحقق علم نزد قاضی شود، اثری در اثبات زنا نخواهد داشت.

با وجود این، طبق مبنای مشهور فقها که علم قاضی از دلایل اثبات کلیه دعاوی محسوب می شود، طبیعتاً اگر بارداری در کنار سایر قرائن موجب علم نوعی شود در حجیت آن نباید تردید کرد، مانند جایی که زنی متهم شده که در اثر زنا باردار شده است و در تحقیقات به زنا اقرار کند ولی اقرار او به نصاب نرسند، بارداری در کنار اقرار ناقص می تواند علم قاضی را شکل دهد و محکومیت متهم توجیه یابد؛ چه اینکه فقها به درستی مجرد اقرار ناقص را

علم آور می‌دانند،^۱ ولی چون شرعا اعتبار اقرار به عنوان دلیل مستلزم رسیدن به نصاب است، ما نمی‌توانیم مطابق آن متهم را محکوم کنیم ولی اگر مستند محکومیت نه اقرار که علم برآمده از امارات متعددی باشد که یکی از آنها را اقرار ناقص و دیگری بارداری شکل دهد، حکم صادر شده قابل تخدیش نیست. اطلاق عبارت شیخ طوسی (ره) مبنی بر ثبوت حد بر زن باردار در صورتی که ارتکاب زنا را تصدیق کند، بدون آنکه آن را به چهار مرتبه اقرار مشروط کرده باشد، مشعر به آن است که ظاهرا مستند وقوع زنا را در اینجا مجموع امارات بارداری و اخبار متهم به تحقق زنا دانسته‌اند که نوعا برای افراد افاده علم می‌نمایند.

۲. بررسی حقوقی

در این قسمت موضع نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی پیرامون قابلیت اثباتی بارداری نسبت به جرم موجب حد زنا بررسی می‌شود. مطالعه انجام شده نشان از آن دارد که نظام‌های مزبور سه موضع متمایز را در این زمینه اتخاذ نموده‌اند. برخی تحت تأثیر فقه مالکی بارداری را در عرض اقرار و شهادت به عنوان مثبت حد زنا قلمداد نموده‌اند. پاره‌ای از این کشورها هرچند بارداری را موجب ثبوت حد ندانسته‌اند، متهم را در این فرض مشمول تعزیر قرار داده‌اند. دسته سوم از کشورها به طور کلی بارداری را از عداد دلایل معتبری که بتوانند مجازاتی اعم از حدی و تعزیری را برای متهم به دنبال آورند خارج دانسته‌اند.

۲-۱. بارداری دلیل اثبات جرم موجب حد زنا

تتبع انجام شده حکایت از آن دارد که در نظام حقوقی چهار کشور امارات متحده عربی، سودان، موریتانی و نیجریه تحت تأثیر فقه مالکیه بارداری را از ادله اثبات حد زنا می‌دانند.

۱. آیت‌الله خوانساری در جامع المدارک فرموده‌اند: «یحصل العلم غالبا بالاقرار مره واحده و شهاده عدلین» (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۵)؛ همین مطلب از سوی دیگران نیز پذیرفته شده است (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۷: ۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۴۶۵؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳: ۳۰۲).

۲-۱-۱. امارات متحده عربی

قانون مجازات فدرال کشور امارات مصوب ۱۹۸۷ میلادی در ماده (۱) بر حاکمیت مقررات اسلامی بر جرایم موجب حد، قصاص و دیه تأکید نموده و مقررات قانون مزبور را به قلمروی تعزیرات محدود نموده است. در این راستا محاکم اماراتی بر اساس فقه مالکی در خصوص جرایم مزبور رسیدگی می‌نمایند. در این دادگاه‌ها مطابق موازین فقه مالکی اگر زن غیرمتأهلی باردار شود یا پس از چهار یا پنج سال بعد از طلاق وضع حمل کند^۱ و یا پیش از شش ماه از تاریخ ازدواج زایمان نماید و نتواند دلایلی را مبنی بر اینکه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و یا حمل ناشی از آمیزش جنسی نبوده است اقامه کند به حد محکوم خواهد شد. آرای متعددی در این زمینه از سوی دادگاه‌های کیفری امارات که بر اساس بارداری حکم به ثبوت حد زنا داده‌اند صادر شده است، مانند رأی دیوان عالی ابوظبی ناظر بر اعتراض به حکم شماره ۱۰۰۶ سال ۲۰۰۸ میلادی که مقرر داشته است: «آشکار شدن بارداری زنی که فرزندش را از زنا به دنیا آورده است موجب اقامه حد زنا است بدون آنکه به اقرار وی نیاز باشد، مادام که دلیل یا قرینه‌ای بر درستی دفاع زن ارائه نشود، مانند آنکه از تجاوز به عنف علیه خود اطلاع دهد یا مردم او را مشاهده کنند در حالی که لباس وی بعد از ازاله بکارت به خون آلوده شده است»، لذا در این پرونده به جهت عدم گزارش و شکایت سابق متهم مبنی بر تجاوز به خود و فقدان قرائن مؤید ادعای تجاوز، محکومیت به حد زنا بر اساس بارداری او تأیید شد (سلیمان، ۲۰۱۵: ۱۲۲ و ۱۲۴).

زن متأهلی در سال ۱۹۹۵ میلادی ازدواج کرد ولی در ۲۰۱۱/۱۱/۱۱ به فیلیپین رفت و در ۲۰۱۲/۱۲/۱۰ به امارات بازگشت و پزشک قانونی گواهی داد که وی جنین دختر هفت ماهه‌ای را به صورت مرده به دنیا آورده است که انعقاد نطفه آن پیش از ۲۰۱۲/۲/۲۹ بوده است و امکان ندارد که پس از مراجعت به نزد شوهرش باردار شده باشد. بر این اساس، دادگاه کیفری طی حکم شماره ۴۹۷ سال ۲۰۱۲ میلادی وی را به حد زنا محکوم می‌نماید

۱. بنا بر موضع فقهی مالکیه که در نیجریه ملاک عمل است، بارداری ممکن است پنج یا هفت سال به طول بکشد، لذا چنانچه طفلی تا هفت سال پس از خاتمه ازدواج سابق متولد شود، به عنوان فرزند ناشی از ازدواج قبلی در نظر گرفته می‌شود (Mir-oo ssii na and aa mccc, 2010: 29; Weimann, 2010: 65).

که متعاقباً متهم به این استدلال که وی در سال ۱۹۹۵ میلادی ازدواج کرده و در اثنای مسافرت شوهرش نزد او رفته بود و در اثر نزدیکی با او باردار شده است، به حکم صادر شده اعتراض کرد. دیوان عالی ابوظبی در ۲۰۱۲/۱۲/۲۳ میلادی تشکیل جلسه داد و با استناد به منابع فقهی مالکیه مبنی بر اینکه فرزندی که پس از شش ماه از تاریخ ازدواج تا چهار یا پنج سال پس از طلاق به دنیا بیاید به شوهر ملحق می‌شود، لذا چون در این پرونده حمل در دوره زوجیت شکل گرفته و دلیلی بر خاتمه این نکاح که در سال ۱۹۹۵ میلادی منعقد شده اقامه نشده است، ادعای زنا متهم بدون دلیل بوده و محکومیت وی بر خلاف احکام شریعت اسلامی است، لذا نقض گردید (سلیمان، ۲۰۱۵: ۱۲۳-۱۲۲).

۲-۱-۲. سودان

ماده (۶۲) قانون اثبات سودان مصوب ۱۹۹۴ میلادی متأثر از قول مالکیه و در عرض دلایلی مانند اقرار و شهادت، بارداری زن غیرمتأهل را در صورتی که شبهه‌ای در آن نباشد، به عنوان یکی از دلایل مثبت جرم زنا احصاء نموده است. شبهه می‌تواند شبهه اکراه، نشئت گرفتن بارداری از وطی به شبهه بوده و یا آنکه اصلاً بارداری ناشی از نزدیکی نباشد (محمد الرضی، ۲۰۰۳: ۱۰۴). در همین راستا، در دعوی حکومت سودان به طرفیت مریم س. مقرر گردیده بود: «بارداری قرینه قطعی بر زنا محسوب نمی‌شود بلکه قابل رد است، پس چنانچه احتمال ناشی شدن حمل از اکراه یا خطا برود یا به جهت باکره بودن متهم احتمال نشئت نگرفتن بارداری از آمیزش مطرح شود، باید حد ساقط شود» (عبدالمنعم حسونه، ۲۰۰۰: ۲۱۰).

۲-۱-۳. موریتانی

قانون جنایی موریتانی مصوب ۱۹۸۳ میلادی که بسیاری از احکام اسلامی را بر مبنای فقه مالکی در خود جای داده است (أمات، ۲۰۱۵: ۲۶۶)، در ماده (۳۰۷) دلایل اثبات زنا متهم موجب جلد و رجم را علاوه بر گواهی چهار شاهد و اقرار، شامل بارداری دانسته است.

۲-۱-۴. نیجریه

با پایان یافتن حکومت نظامیان در کشور نیجریه از سال ۱۹۹۹ میلادی و با استقبال مردمی قوانین جنایی اسلام در چارچوب قانون اساسی فدرال این کشور در ایالات شمالی و با ابتکار عمل ایالت زامفارا در سال ۲۰۰۰ میلادی تصویب شدند و به مرحله اجرا درآمدند که متعاقب آن یازده ایالت دیگر تا سال ۲۰۰۱ میلادی از الگوی اجرا شده در این ایالت در اجرای احکام اسلامی و تأسیس دادگاه‌های شرعی بر اساس موازین فقه مالکی تأسی کردند (Ostien, 2007: 132; Weimann, 2010: 9 & 15).

بسیاری از قوانین ایالات شمالی نیجریه نسبت به اعتبار اثباتی بارداری سکوت نموده‌اند و تنها قانون ایالت کبی بارداری را به عنوان دلیل اثباتی زنا مورد تصریح قرار داده است.^۱ قوانین ایالات کانو و نیجر تنها اقرار و گواهی چهار شاهد را به عنوان دلیل مثبت زنا مورد تصریح قرار داده‌اند و به این ترتیب در نظر گرفتن بارداری یا وضع حمل خارج از ازدواج را به عنوان دلیل ضمنی جهت اثبات زنا با مانع روبرو نموده‌اند. سکوت قوانین شرعی کیفری ماهوی و شکلی سایر ایالات شمالی نیجریه نسبت به قواعد ادله راه را برای استناد محاکم شرعی به قواعد حقوقی غیرمدون مالکیه، که متضمن شناسایی بارداری خارج از ازدواج به عنوان دلیل مثبت زنا است، باز نموده است (Weimann, 2010: 66-68). در همین راستا، در پرونده‌ای در ایالت زامفارا دختر سیزده ساله غیر متأهلی به نام باریا ابراهیم ماگازو که باردار شده بود، به اتهام رابطه جنسی پیش از ازدواج محکوم شد و صد ضربه شلاق در ژانویه ۲۰۰۱ میلادی به مرحله اجرا درآمد (Peters, 2001: 20; Mir-Hosseini and Hamzić, 2010: 7). در همان سال صفیه تونگار تودو به حکم دادگاه شرعی ایالت سوکوتو مستند به بارداری خارج از ازدواج به رجم محکوم شد (Peters, 2001: 31). در پرونده‌ای در ایالت باوچی دختر پانزده ساله‌ای به نام آلتین که مدعی بود در اثر تجاوز به عنف ناپدری‌اش به نام عمر توری باردار شده بود، به صد ضربه شلاق محکوم شد (Weimann, 2010: 72). از این رو،

۱. طبق قانون ایالت کبی طرق اثبات جرم زنا به ترتیب زیر است:

PROVE: 1. Four male witnesses to the act of zina who shall be Muslims; 2. Self-confession; 3. Pregnancy (Ostien, 2007: 68).

در وهله اول بارداری یا وضع حمل خارج از ازدواج رایج ترین مبنای ایراد اتهام رابطه جنسی غیرقانونی است. در اغلب موارد دلیل ضمنی مورد استناد در مرحله بدوی در مرحله تجدیدنظر رد می شود (Weimann, 2010: 66-68). در پرونده امینه لاوال در ایالت کاتسینا که در سال ۲۰۰۲ میلادی به زنا متهم شده بود و در نهایت به رجم محکوم شد، دختر تازه متولد شده او دلیل اثبات زنا تلقی گردید. پس از تجدیدنظر، دادگاه شریعت بر اساس آموزه ای از فقه مالکی با عنوان «جنین خوابیده»،^۱ وی را در سال ۲۰۰۳ میلادی تبرئه نمود و فرزند منتسب به شوهر سابق دانسته شد؛ بعد از این سابقه قضایی که بارداری خارج از ازدواج را به خودی خود دلیل اثبات زنا محسوب ننمود و بار اثبات را متوجه مقام تعقیب دانست، پرونده دیگری در این زمینه مطرح نگردید (Ibrahim and Lyman, 2004: 8-10; Mir- Hosseini and Hamzić, 2010: 144). زن متأهل پس از شش ماه از ازدواج خود نسبت به بارداری و وضع حمل در حمایت حقوق اسلامی قرار گرفته و فرزند ناشی از ازدواج فرض می شود و شوهر تنها از طریق لعان می تواند نفی ولد کرده و این امر نیز در دادرسی کیفری علیه زوجه قابل استناد نیست و بار اثبات زنا در این موارد بر عهده شوهر قرار دارد، بر خلاف بارداری زنان غیر متأهل که اماره بر زنا ی ایشان است مگر ثابت نمایند که به زنا اقرار شده اند (Weimann, 2010: 65). بر همین مبنا در پرونده های مریم ابوبکر و حافساتو ابوبکر با انتساب بارداری به شوهران سابق ایشان تبرئه شدند (Weimann, 2010: 75).

تحولات اخیر رویه قضایی در نیجریه که متعاقب نقض محکومیت های بدوی زنان به اتهام زنا بر اساس بارداری شکل گرفته است، به سمت آموزه پذیرش بارداری تأخیری و نقض اتهامات مبتنی بر سوءظن استقرار یافته است (Weimann, 2010: 79)، به نحوی که از اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی صدور هیچ کیفرخواستی مبنی بر اتهام زنا به استناد بارداری خارج از ازدواج گزارش نشده است (Weimann, 2010: 81).

۱. The aa kkk dbrrrre of hle 'sppppng embryo'.

۲-۲. بارداری دلیل اثبات جرم موجب تعزیر

در برخی از کشورها تحت تأثیر دیدگاه بی‌اعتباری بارداری به عنوان دلیل اثبات حد، به تعزیر متهم حکم داده می‌شود. البته این کشورها خود بر دو قسم هستند. در برخی مانند پاکستان و مالدیو عنوان اتهامی همان زنا است ولی چون شرایط اثبات حد منتفی است، تعزیر جایگزین آن شده است و در بعضی از کشورها نظیر برونئی و برخی از ایالات مالزی اساساً نفس بارداری خارج از چارچوب ازدواج مشروع جرم مستقلی را در عرض زنا تشکیل داده است.

۲-۲-۱. پاکستان

دستورالعمل اجرایی ناظر بر جرم زنا مصوب ۱۹۷۹ میلادی در ماده (۸) اثبات زنا را تنها با اقرار و گواهی چهار شاهد معتبر دانسته است. چنانچه در اتهام زنا دلایل مزبور موجود نباشند و مبتنی بر دلایل دیگر باشد طبق ماده (۱۰) برای مرتکب تعزیر تعیین خواهد شد. در کشور پاکستان در برخی پرونده‌های زنای به عنف که شاکی باردار نمی‌تواند دلیل کافی بر اثبات اتهام اقامه کند، به رغم تبرئه متهم، دادگاه به استناد همان بارداری شاکی را به اتهام زنای مبتنی بر رضایت به تعزیر محکوم می‌نمود (Cheema, 2006: 137). در دعوای جهان مینا به طرفیت دولت در سال ۱۹۸۳ میلادی دختر تقریباً شانزده ساله‌ای که حدود پنج شش ماهه باردار بوده، ادعا می‌کند که توسط عمو و پسر عموی خود مورد تجاوز قرار گرفته است. دادگاه کیفری متهمان را تبرئه و خود شاکیه را به صد ضربه شلاق حدی محکوم می‌کند. با تجدیدنظرخواهی وی دیوان شریعت فدرال با تبدیل مجازات از حد به تعزیر اصل حکم را بر خلاف اصول اسلامی ناظر بر مسئولیت و بر اساس بکارگیری نادرست حقوق عرفی تأیید نمود با این استدلال که «مبنای محکومیت عبارت است از بارداری غیر قابل توضیح وی همراه در نظر گرفتن این حقیقت که وی دختری است که ازدواج نکرده است» (Cheema, 2006: 140-141). حکم مزبور در شرایطی بوده است که در این کشور دارای نظام حقوقی

1. Jehan Mina v. State (1983).

کامن‌لا، سابقاً در دعوای سکینه به طرفیت دولت به سال ۱۹۸۱ میلادی دیوان شریعت فدرال با نقض محکومیت زنی که متهم به زنا شده و شروع بارداری او به پیش از ازدواج می‌رسیده و ادعای وی مبنی بر اکراهی بودن زنا در دادگاه بدوی پذیرفته نشده بود، استدلال نمود محکومیت متهم به تعزیر مستلزم اثبات رضایت متهم است و نمی‌توان این عنصر را از اوضاع و احوالی چون بارداری استنباط نمود، لذا برخورد دادگاه با ادعای عدم رضایت به منزله یک دفاع را که موجب تغییر بار اثبات دعوا می‌شود مردود دانسته بود (Cheema, 2006: 138-139). با وجود رأی دعوای جهان مینا، انتقادات مطرح شده موجب شد که این حکم نتواند در رسیدگی‌های دیوان شریعت فدرال رویه‌ساز شود. در پرونده سیانی در سال ۱۹۸۴^۲ میلادی پس از کشف سقط جنین متهم وی به زنا با شخص خاصی از سوی دادستان متهم می‌شود. دادگاه ضمن تبرئه مرد متهم به جهت فقدان دلیل، زن را به استناد گواهی پزشکی مبنی بر سابقه بارداری و سقط جنین محکوم می‌کند و متعاقباً دیوان شریعت فدرال با این بیان که صرف گواهی پزشکی مزبور نمی‌تواند مثبت اتهام باشد رأی صادره را هم‌سو با سابقه رأی پرونده سکینه و بر خلاف رویه اتخاذ شده در پرونده جهان مینا نقض نمود و مقرر داشت: «این دادگاه سابقاً در چندین دعوا تصریح نموده است که صرف بارداری یا اسقاط جنین یا تولد فرزند نامشروع از یک دوشیزه یا بیوه و یا زن متأهلی که شوهرش در آن دوره به او دسترسی ندارد، برای اثبات جرم موضوع ماده (۱۰) قانون کفایت نمی‌کند مگر آنکه دادستان بتواند علاوه بر آن ثابت نماید که وی رضایت به زنا موجب بارداری داشته است». در این پرونده گواهی پزشکی مبنی بر بارداری و با قدری توسعه منطقی، نفس بارداری تنها می‌تواند جزئی از یک دلیل مؤید مستقل باشد، لذا دادگاه به طور صریح نظر داد که بارداری به خودی خود نمی‌تواند مبنای محکومیت را شکل دهد. در این پرونده متهم اساساً ادعای مورد تجاوز واقع شدن را نداشت و اصل زنا را منکر بود (Cheema, 2006: 141). در پرونده رفاقت بی‌بی به طرفیت دولت در سال ۱۹۸۴^۳ نیز مانند پرونده سکینه زن بارداری که نتوانسته بود

1. Sakina v. State (1981).

2. Siani v. State (1984).

3. Rafaqat Bibi v. State (1984).

شکایت زناى به عنف را ثابت کند، حکم محکومیت به زنا در دیوان شریعت فدرال نقض شد (Cheema, 2006: 142-143). مشابه همین موضع در پرونده رانی به طرفیت دولت در سال ۱۹۹۶ میلادی و نیز زفران بی بی به طرفیت دولت در سال ۲۰۰۲ میلادی و پرونده گل حمیده به طرفیت دولت در سال ۲۰۰۴ میلادی از سوی دیوان شریعت فدرال اتخاذ شد (Mir-Hosseini and Hamzić, 2010: 163; Cheema, 2006: 144-148). در دعوی صفیه بی بی به طرفیت دولت در سال ۱۹۸۳ میلادی نیز دختر خدمتکاری که مشکل بینایی داشته و پس از بارداری و وضع حملی که مدعی ناشی شدن آن از زناى به عنف مخدوم خود بود اقدام به طرح شکایت نموده و دادگاه بدوی متهم را تبرئه و در عوض وی را به اتهام زنا محکوم نموده بود، از رأی در دیوان شریعت فدرال تجدیدنظر نموده که دیوان ضمن ابرام رأی براءت صاحب خانه، محکومیت او را نقض نمود. دیوان در رأی خود ضمن اشاره به اقوال مذاهب فقهی در این زمینه، قول مذاهب حنفی و شافعی را که بار اثبات زناى زن باردار را بر دوش طرف دعوا گذاشته است بر موضع مالکیه ترجیح داد (Cheema, 2006: 143-144).

۲-۲-۲. مالدیو

قانون کیفری مالدیو مصوب ۲۰۱۴ میلادی ضمن آنکه مجازات حدی صد ضربه شلاق را برای زنا در نظر گرفته است، در کنار آن مجازات غیر حدی ای را نیز تعیین کرده است که مطابق ماده (۴۱۱) میزان مجازات مزبور تابعی از ماهیت دلیل اثباتی است. در این ماده ضمن آنکه بارداری به عنوان یکی از دلایل اثبات جرم زنا قلمداد شده است، در راستای قاعده چهار گواه، که برگرفته از الهام قانونگذار مالدیوی از موازین اسلامی است (Robinson, 2006: 94-95)، بارداری از اعتبار اثباتی کمتری در جرم زنا برخوردار است و از این رو از

1. Rani v. State (1996).

2. Zafran Bibi v. State (2002).

3. Gul Hamida v. State (2004).

4. Safia Bibi v. State (decided in 1983, reported in 1985).

آن تحت عنوان «دلیل نسبتاً قانع‌کننده»^۱ یاد شده و زنا یا اثبات‌شده از طریق بارداری با مجازات کم‌تری نسبت به زنا یا با گواهی ثابت شده روبرو می‌شود.

۲-۲-۳. بروئی

در قانون جزای شرعی کشور بروئی مصوب ۲۰۱۳ میلادی، ماده (۹۴) جرم بارداری یا وضع حمل خارج از ازدواج را برای زنان مسلمان در عرض زنا جرم‌انگاری نموده است و حسب اینکه محصنه باشد یا خیر، مجازات غیرحدی شامل حبس و جزای نقدی را برای آن تعیین نموده است. مقصود از وضع حمل خارج از ازدواج، تولد فرزند کامل در مدت کم‌تر از شش ماه قمری و دو لحظه پس از ازدواج است. بار اثبات اینکه بارداری ناشی از ازدواج مشروعی بوده و یا در اثر تجاوز به عنف شکل گرفته بر عهده زن است.^۲

۲-۲-۴. مالزی

در برنامه نهم پیوست قانون اساسی فدرال مالزی مصوب سال ۱۹۵۷ میلادی به نهاد قانونگذاری دولت‌های ایالتی اجازه قانونگذاری در زمینه مسائل اسلامی داده شده لکن در قلمرو جنایی اختیار مزبور محدود به میزانی است که قانون فدرال تجویز نماید که چنین جرایمی در دادگاه‌های شرعی رسیدگی می‌شوند. در این راستا، قانون فدرال صلاحیت کیفری دادگاه‌های شرعی مصوب ۱۹۶۵ میلادی با اصلاحات بعدی اجازه جرم‌انگاری رفتارهایی را که ناقض آموزه‌های اسلامی هستند داده است که نسبت به مسلمانان قابل اجراء

1. comparably persuasive evidence.

۲. طبق این ماده:

1) Any Muslim woman who is pregnant or who gives birth to a child out of wedlock is guilty of an offence and shall be liable on conviction - {a} if she is muhshan, to a fine not exceeding \$8,000, imprisonment for a term not exceeding 2 years or both; {b} if she is ghairu muhshan, to a fine not exceeding \$4,000, imprisonment for a term not exceeding one year or both. (2) Any Muslim woman who gives birth to a fully-developed child within a period of less than 6 months qamariah and 2 lahzah after her marriage shall be deemed to have given birth to the child out of wedlock.

بند (۴) این ماده نیز بار اثبات انتساب حمل به یک نکاح یا تجاوز جنسی را بر عهده زن متهم می‌داند.

هستند. بر این اساس، قوانین کیفری شرعی متعددی در ایالات کشور مالزی به تصویب رسیده‌اند.

در قانون ایالت کلاتان مصوب ۱۹۸۵ میلادی که بعداً منسوخ شد، در کنار جرم زنا (موضوع ماده (۱۱))، خود بارداری خارج از ازدواج جرم مستقلی را تشکیل می‌داد که مطابق ماده (۱۶) مستوجب حبس یا جزای نقدی بود. طبق بند (۳) ماده اخیر «بار اثبات اینکه زن وطی به شبهه داشته و یا ازدواج نموده است و یا تولد فرزند در مدت قابل قبول شرعی صورت گرفته است بر عهده زن است». در خصوص این مدت بند (۲) از همان ماده زایمان فرزند کامل را ظرف شش ماه بعد از ازدواج به عنوان حمل ناشی از رابطه خارج از نکاح قلمداد نموده است و در فراز پایانی مقررات قاعده فراس منعکس در ماده (۱۱۲) قانون ادله مصوب ۱۹۵۰ میلادی را در این زمینه قابل اعمال ندانسته است. مشابه همین مقررات در قوانین ایالات دیگر نظیر ماده (۱۶) قانون کیفری شرعی ایالت کداح مصوب ۱۹۸۸ میلادی، ماده (۱۵) قانون جرایم کیفری ایالت پرلیس مصوب ۱۹۹۱ میلادی، ماده (۷۵) قانون کیفری شرعی ایالت نگری سمیلان مصوب ۱۹۹۲ میلادی، ماده (۵۰) قانون جرایم شرعی ایالت نگری پراک مصوب ۱۹۹۲ میلادی و ماده (۷۹) قانون جرایم کیفری شرعی ایالت صباح مصوب ۱۹۹۵ میلادی مشاهده می‌شوند.

بعداً در سال ۱۹۹۳ میلادی قانون کیفری شرعی جدیدی در ایالت کلاتان به تصویب رسید که بارداری خارج از ازدواج را به عنوان دلیلی برای اثبات زنا در نظر گرفت. موافق بند دوم ماده (۴۶) بارداری یا وضع حمل یک زن غیر متأهل دلیلی بر زنا و تلقی شده و حد ثابت می‌گردد مگر اینکه خلاف آن را ثابت کند. قانون مزبور مورد نقد قرار گرفت چه با لحاظ این مقرره اگر زنی که در اثر تجاوز به عنف باردار شده است علیه متجاوز طرح دعوا کند نه تنها باید چهار شاهد مرد را برای اثبات زنا متجاوز بیاورد که در غیر این صورت به اتهام قذف محکوم خواهد شد، بلکه بار اثبات اینکه زنا نکرده است نیز بر عهده وی خواهد بود (Kamali, 1998: 210-211). از دیگر انتقادات آن بود که در جایی که قانون وفق ماده (۴۶) دلایل ضمنی را، هر چند مرتبط باشند، برای اثبات حدود و از جمله حد زنا نپذیرفته است، مانند دلایل علمی و مادی نظیر لکه‌های منی، ترشحات واژن، نمونه خون،

علایم خراشیدگی و اثر انگشت ژنتیکی، لکن در طرف دیگر بارداری و زایمان را به عنوان دلیل ضمنی اثبات زنا معتبر دانسته است (Kamali, 1998: 211-212). با توجه به نقدهای وارد بر قانون مزبور در اصلاحات سال ۲۰۱۵ میلادی مفاد آن مبتنی بر شناسایی بارداری به عنوان دلیل اثبات حد زنا حذف شد و جز در مورد حد شرب خمر، کلیه حدود و از جمله زنا از طریق امارات و دلایل ضمنی غیر قابل اثبات دانسته شدند. با وجود این، بند دوم ماده (۴۹) قانون جرایم کیفری شرعی حدود و قصاص ایالت ترینگانو مصوب سال ۲۰۰۲ میلادی اماره بودن بارداری برای زنا را مانند قانون مصوب ۱۹۹۳ میلادی ایالت کلانتان پذیرفته است. قانون جرایم کیفری شرعی ایالت سلانگور مصوب ۱۹۹۵ در ماده (۲۵) بارداری زن غیرمتاهل را به عنوان یک دلیل اولیه محمول بر صحت^۱ اتهام رابطه جنسی نامشروع که برای شروع دعوا کافی است شناسایی کرده است. مطابق این ماده اگر زن ظرف شش ماه قمری از زمان ازدواج بچه کاملی را به دنیا بیاورد، چنین فرض می شود که ناشی از نکاح نبوده است. مشابه همین موضع در ماده (۲۳) قانون جرایم کیفری شرعی ایالت پنانگ مصوب ۱۹۹۶ میلادی، ماده (۲۳) قانون جرایم کیفری شرعی منطقه فدرال مالزی^۲ مصوب ۱۹۹۷ میلادی، ماده (۲۳) قانون جرایم کیفری شرعی ایالت جوهور مصوب ۱۹۹۷ میلادی و ماده (۲۰) قانون جرایم کیفری شرعی ایالت ساراواک مصوب ۲۰۰۱ میلادی نیز اتخاذ شده است.

۲-۳. بارداری دلیلی بی اعتبار در اثبات جرم

در بعضی از کشورها اساساً برای مجرد بارداری ارزش قضایی در مقام اثبات موضوع در معرض حد یا تعزیر قائل نشده اند که کشورهای اندونزی، ایران و لیبی را باید در این زمره جای داد.

۲-۳-۱. اندونزی

ماده (۳۶) قانون جنایات استان آچه اندونزی مصوب سال ۲۰۱۴ میلادی بارداری خارج از ازدواج را به عنوان مبنایی بر ایراد اتهام زنا به یک زن نپذیرفته است مگر آنکه با دلیل کافی

1. Prima facie evidence.

۲. این ناحیه شامل سه ایالت کوالالمپور، لابوان و پوتراجایا است.

همراه باشد. از این رو، چنانچه کسی زن بارداری را به زنا متهم کند، مشمول حد قذف خواهد شد مگر آنکه بتواند چهار شاهد اقامه کند. با وجود این، از آنجا که در استان آچه علم قاضی یکی از دلایل اثبات دعاوی در قلمروی کیفری محسوب می‌شود، اگر در کنار بارداری، دلایل دیگری که بتوانند وقوع زنا را نشان دهند وجود داشته باشند می‌توان بر اساس آن تعیین تکلیف نمود (Abubakar and Maulana, 2018: 178-179). از همین رو است که ماده ۴۴ انجام آزمایش DNA را به عنوان دلیل اثبات اتهام مرد زناکار به رسمیت شناخته است.

۲-۳-۲. ایران

مواد (۹۰) قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ و (۷۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بر اساس فقه امامیه در تعابیری نزدیک به هم مقرر می‌داشتند زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه زنا یا با یکی از راه‌های مذکور در این قانون ثابت شود. مشابه چنین حکمی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تکرار نشده است. رویه قضایی بر اساس این ماده بارداری را به عنوان دلیل اثباتی حد زنا برای زن نپذیرفته است و آرای صادره از شعبه ۱۷۷ و نیز دادگاه کیفری استان تهران مؤید این استنباط است. حتی در پرونده‌ای که زن به زنا اقرار ناقص هم نموده است شعبه ۱۸ دادگاه عمومی گرگان در رأی صادره به شماره ۱۳۷۰/۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۹ از حکم به حد خودداری نموده و تنها تعزیر متهم را مورد حکم قرار داده است.^۳ به نظر می‌رسد با توجه به موضع قانونگذار در ادوار مختلف قانونگذاری کیفری بعد از انقلاب اسلامی که علم قاضی را از ادله اثبات جرم و از جمله زنا دانسته و اطلاق ماده (۱۶۰)

۱. برای دیدن شرح پرونده ر.ک. گزارش نشست نقد رأی بررسی ادله اثبات جرم زنا منتشرشده در پژوهشگاه قوه قضائیه در سال ۱۳۹۳.

۲. در این زمینه ر.ک. گزارش نشست نقد رأی بررسی ادله اثبات جرم زنا (آزمایش DNA) منتشرشده از سوی پژوهشگاه قوه قضائیه در فصلنامه رأی، شماره ۱۵، سال ۱۳۹۵.

۳. برای ملاحظه شرح پرونده ر.ک. تحلیل علمی از یک پرونده کیفری (زنا محصنه و اثبات آن) از آقای کیومرث کلاتری (۱۳۸۸)، منتشرشده در مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۶.

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی؛ اکرمی ۱۳۳ |

قانون مصوب ۱۳۹۲ نیز مؤید این استظهار است و خصوصاً سیاق عبارات قوانین مجازات سابق که «صرف بارداری» را موجب حد ندانسته است، نه آنکه اساساً بارداری را حتی به عنوان یک قرینه بی اعتبار بداند، لذا به نظر می رسد اگرچه بر خلاف موضع برخی از کشورها بارداری دلیل مستقیم جهت اثبات حد زنا به شمار نمی رود، در کنار سایر قرائن و از جمله اقرار ناقص متهم یا شهودی که به نصاب نرسیده اند می تواند زمینه صدور حکم به حد را از جهت افاده علم قاضی ایجاد کند، خصوصاً در جایی که شخص متهم ادعای موجد شبهه ای را نداشته باشد، که سابقاً توجیه فقهی آن را نیز مورد بررسی قرار دادیم.

۲-۳-۳. لیبی

ماده (۶) مکرر از قانون اقامه حد زنا لیبی مصوب ۱۹۷۳ میلادی دلایل اثبات زنا را شامل اقرار متهم، گواهی چهار شاهد و طرق اثبات علمی می دانست. با وجود این، از آنجا که ماده (۱۰) در موارد سکوت قانون نظر مشهور از آسان ترین مذاهب را ملاک عمل می دانست، حقوقدانان قضات را مجاز به مراجعه به فتوای فقهی مبتنی بر استنادپذیری بارداری جهت اثبات زنا نمی دانستند. ایشان معتقد بودند حتی به فرض عدم پذیرش شمول ماده (۱۰) نسبت به ادله اثبات، همچنان به جهت وجود اختلاف آراء در زمینه اعتبار بارداری به عنوان دلیل مثبت زنا، با شبهه روبرو هستیم که در این فرض حد ساقط است. دیوان عالی لیبی نیز در همین راستا در یکی از آرای خود صریحاً اثبات زنا را محدود به اقرار و گواهی چهار شاهد دانسته بود (محمد، بی تا: ۳۰۸). در هر حال، قانونگذار لیبیایی در اصلاحات سال ۲۰۱۶ میلادی دلایل اثبات را در اقرار و شهادت محصور نمود تا مجالی برای بروز تشتت در استنباط حقوقی به وجود نیاید.

نتیجه

تحقیق حاضر نشان از دو رویکرد متفاوت نسبت به اعتبار بارداری جهت اثبات حد زنا زنی دارد که شوهر نداشته و یا امکان انتساب حمل به شوهر او نباشد. فقهای مالکی و اقلیتی از حنابله معتقدند که در این شرایط حد زنا ثابت می شود، رویکردی که در حقوق کیفری

کشورهای امارات، سودان، موریتانی و ایالات شمالی نیجریه پذیرفته شده است. در نقطه مقابل فقه امامیه، حنفی و شافعی و اکثریت فقهای حنبلی معتقدند بارداری نمی تواند حد زنا را ثابت کند، موضعی که در حقوق کشورهایی مانند ایران، لیبی و استان آچه اندونزی اتخاذ شده است. البته در این نظام های حقوقی برخی از کشورها مانند پاکستان، مالدیو و مالزی، هر چند قول به ثبوت حد را نپذیرفته اند، تعزیر متهم را تجویز کرده اند.

در فقه امامیه دلیل نقلی مشخصی در خصوص موضوع وجود ندارد و فقها به اتفاق و بر اساس اقتضای اصول قائل به بی اعتباری بارداری به عنوان یک دلیل اثباتی هستند، هر چند در اینکه می توان متهم را مورد بازجویی و تحقیق قرار داد اختلاف دیدگاه وجود دارد. اما در فقه عامه برخی دلایل نقلی وجود دارند که موجب التزام به نظریه معتبر بودن بارداری به عنوان دلیل مثبت حد هستند، هر چند مخالفین با طرح برخی ایرادات سندی و دلالتی آنها را مورد مناقشه قرار داده و به استناد قاعده درأ با اعتبار اثباتی بارداری مخالفت نموده اند.

بررسی ادله نشان می دهد که نه در خصوص اینکه بارداری دلیل مستقیمی برای اثبات زنا باشد و نه در نفی ارزش اثباتی آن به طور مطلق دلیل متقنی وجود ندارد، از این رو در چارچوب این اندیشه فقهی که علم قاضی را از دلایل اثبات حد زنا به شمار آورده است و برخی از نظام های حقوقی از جمله کشور ما به آن قائل است، اعتبار اثباتی بارداری زن فاقد شوهر به عنوان یک اماره قضایی، خصوصا در جایی که منکر ارتکاب زنا از سوی خود نیست، در کنار دیگر قرائن با مانع شرعی و حقوقی روبرو نیست و شایسته است قانونگذار در این زمینه به شکل روشنی تعیین تکلیف نماید.

ORCID

Ruhollah Akrami  <http://orcid.org/0000-0002-4129-7520>

منابع

الف. عربی

قرآن کریم.

- آصف محسنی، محمد. (۱۴۲۴). *الفقه و مسائل طیه*، ج ۱، قم، بوستان کتاب.
- ابن ابی زید قیروانی، ابی محمد عبدالله. (بی تا). *رساله ابن ابی زید القیروانی*، بی جا، قاهره، دار الفضیله.
- ابن ابی شیبه عبسی، عبدالله. (۲۰۰۸). *المصنف*، ج ۹، ج ۱، قاهره، الفاروق الحدیثه للطباعه و النشر.
- ابن اسحاق مالکی، شیخ خلیل. (۱۹۸۱). *مختصر العلامه خلیل*، ج ۲، بی جا، دار الفکر.
- ابن انس، مالک. (۱۴۱۷). *الموطا*، بروایه یحیی الیثی، تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف، ج ۲، ج ۲، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- ابن تیمیه، أحمد. (۱۴۱۹). *السیاسه الشرعیه*، بی جا، ریاض، وزاره الشؤون الاسلامیه.
- ابن عرفه دسوقی، محمد. (۲۰۱۰). *حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر*، بالهامش محمد علیش، ج ۶، بی جا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن فرحون یعمری، برهان الدین ابراهیم. (۲۰۰۳). *تبصره الحکام فی اصول الاقضیه و مناهج الاحکام*، ج ۲، بی جا، ریاض، دار عالم الکتب.
- ابن قدامه مقدسی، موفق الدین عبدالله. (۲۰۰۴). *المغنی*، بی جا، لبنان، بیت الافکار الدولیه.
- ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد. (۱۴۱۰). *الطرق الحکمیة فی السیاسه الشرعیه*، ج ۱، بیروت، مکتبه المؤید.
- ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد. (۱۴۲۳). *إعلام الموقعین عن رب العالمین*، ج ۶، ج ۱، ریاض، دار ابن الجوزی للنشر و التوزیع.
- ابن نجیم، زین الدین. (بی تا). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، ج ۵، ج ۲، بی جا، دارالکتاب الاسلامی.

أبوالقاسم، احمد. (١٩٩٣). *الدليل الجنائي المادي و دوره في إثبات جرائم الحدود و القصاص*، ج ٢، بی چا، ریاض، دارالنشر بالمركز العربی للدراسات الامنيه و التدريب. ابوزید، بكر. (١٤١٥). *الحدود و التعزیرات عند ابن القیم: دراسه و موازنه*، ج ٢، ریاض، دارالعاصمه.

أبی داود، سلیمان بن اشعث. (١٤١٩). *سنن أبی داود، تحقیق و تعلیق محمدالالبانی*، ج ٢، ریاض، مکتبه المعارف.

أمات، محمد محمود. (٢٠١٥). *تجريم المخدرات في التشريع الإسلامي و القانون الموريتاني*، بی چا، ریاض، جامعه نايف العربيه للعلوم الأمنیه.

بخاری، أبی عبدالله محمد. (٢٠٠٢). *صحیح البخاری*، ج ١، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر. بهوتی، منصور بن یونس. (٢٠٠٠). *شرح منتهی الإرادات: دقائق أولى النهی لشرح المنتهی*، ج ٦، ج ١، بی چا، مؤسسه الرساله.

بیهقی، احمد بن الحسین. (٢٠٠٣). *السنن الکبری*، ج ٧، ج ٣، بیروت، دارالکتب العلمیه. جبعی عاملی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ج ١٤، ج ١، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ١٤١٣.

حسینی شیرازی، سیدمحمد. (١٤٠٩). *الفقه: کتاب الحدود و التعزیرات*، ج ٨٧، ج ٢، بیروت، دار العلوم.

حلی، نجم الدین جعفر. (١٤١٠). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ٤، ج ٢، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

خرشی، أبی عبدالله محمد. (١٣١٧ق). *الخرشی علی مختصر خلیل*، ج ٢، مصر، مطبعه الکبری الامیریه.

خوانساری، سیداحمد. (١٤٠٥). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، ج ٧، ج ٢، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

سلیمان، یاسر عریف. (٢٠١٥). *جريمه الزنا الحديه فی ضوء احکام محکمه النقض باماره ابوظبی و المحکمه الاتحاديه العليا*، بی چا، ابوظبی، دائره القضاء.

نقش اثباتی بارداری در جرم زنا از منظر فقه و حقوق کشورهای اسلامی؛ اکرمی ۱۲۷ |

شربینی، شمس‌الدین محمد. (۱۹۹۷). *مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، ج ۴، چ ۱، بیروت، دارالمعرفه.

شوکانی، محمد. (۲۰۰۵). *نیل الاوطار من أسرار منتقى الاخبار*، ج ۹، چ ۱، ریاض، دار این القيم.

طباطبایی حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۲۷). *مسائل معاصره فی فقه القضاء*، چ ۲، نجف اشرف، دارالهلال.

طوسی، اَبی جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۸، چ ۳، تهران، المكتبه المرتضویه.

عبد المنعم حسونه، بدریه. (۲۰۰۰). *شرح قانون الاثبات الاسلامی السوداني و تطبيقاته القضائیه*، چ ۱، ریاض، اکادیمیه نايف العربیه للعلوم الامنيه.

عبیدات، خالد. (۲۰۱۴). «حمل المرأه من غير زوج»، *مجله الجمعیه الفقهيہ السعودیه*، ش ۱۹. فاضل اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، ج ۱۰،

چ ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

قانون الاثبات السوداني (۱۹۹۴)؛ قابل دسترس در:

<http://www.nccw.gov.sd/files/145.pdf>.

قانون الجنائی الموریتانی (۱۹۸۳)؛ قابل دسترس در:

<http://www.justice.gov.mr/IMG/pdf/codepenalarabe.pdf>.

قانون العقوبات الاتحادی (۱۹۸۷)؛ قابل دسترس در:

<http://www.dji.gov.ae/Lists/DJIBooks/Attachments/44/Okobat%20Big%20WEB.pdf>

قانون رقم (۲۲) بتعديل بعض أحكام القانون رقم ۷۰ لسنة ۱۹۷۳ فی شأن إقامة حد الزنا وتعديل بعض أحكام قانون العقوبات الليبي (۲۰۱۶)؛ قابل دسترس در:

<http://itcadel.gov.ly/wp-content/uploads/pdfs2013/add04-2016.pdf>

قانون رقم (۷۰) فی شأن اقامه حد الزنا الليبي (۱۹۷۳)؛ قابل دسترس در:

<http://itcadel.gov.ly/wp-content/uploads/2015/12/law70-year1973.pdf>.

محمد الرضى. (۲۰۰۳). *وجدان علی، سلطه المحكمه فی تقدير البينات فی المسائل الجنائیه*،

رساله للماجستير، خارطوم، جامعه الخرطوم.

محمد، عوض. (بی تا). *دراسات في الفقه الجنائي الاسلامي*، بی جا، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیه.

مدرسی، سیدمحمد تقی. (١٤٣٠). *فقه الحدود و أحكام العقوبات*، ج ١، قم، انتشارات مجبان الحسین علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر. (١٤١٨). *أنوار الفقاهه: کتاب الحدود و التعزیرات*، ج ١، چ ١، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

منتظری، حسین علی. (١٣٨٤). *رساله استفتائات*، ج ١، چ ١، قم، نشر سایه.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (١٤٢٣). *فقه القضاء*، ج ١، چ ٢، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

موسوی خلخالی، سیدمحمد رضا. (٢٠١٢). *المعتمد في القضاء و الشهادات و الحدود*، چ ١، قم، دارالتعارف للمطبوعات.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا. (١٤١٢). *الدر المنصود في أحكام الحدود*، ج ١، چ ١، قم، دار القرآن الکریم.

نجفی، محمدحسن. (١٤٠٤). *جواهر الکلام في شرح شرایع الاسلام*، ج ٤١، چ ٧، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

ب. انگلیسی

Abubakar, Al Yasa and Maulana, Iqbal. (2018). «Alat Bukti dan Metode

Pembuktian Terhadap Tindak Pidana Zina», *Legitimasi: jurnal hukum pidana dan politik*, Vol. 7, No. 2.

Act 559 of Syariah Criminal Offences Act of Federal Territories of Malaysia. (1997). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/En_g_act_lib.nsf/858a0729306dc24748257651000e16c5/bcd11b697691518c8256826002aaa20?OpenDocument.

Chapter 46 of Syariah Criminal Offences Ordinance of Sarawa. (2001). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/En_g_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/490b2edd732150d6482576a5000d2ace?OpenDocument.

- Cheema, Moeen H. (2006). «Cases and Controversies: Pregnancy as Proof of Guilt under Pakistan's Hudood Laws», *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 32.
- Enactment no. 13 of Syariah Criminal Code of Kelantan (II) (1993). (2015). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/edd5daa1361eaa7d482580140012da26?OpenDocument.
- Enactment no. 2 of Syariah Criminal Code of Kelantan. (1985). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/119b1f6081f838484825765e0004e4dc?OpenDocument.
- Enactment no. 3 of Crimes (Syariah) Enactment of Negeri Perak. (1992). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/873fa95efb313e3f482576b1000eba50?OpenDocument.
- Enactment no. 3 of Syariah Criminal Offences Enactment of Penang. (1996). Retrieved from <http://www.esyariah.gov.my/portal/page/portal/Portal%20E-Syariah%20BI/Portal%20E-Syariah%20Carian%20Bahan%20Rujukan/Portal%20E-Syariah%20Undang-Undang/Portal%20E-Syariah%20Undang%20P.Pinang>.
- Enactment no. 3 of Syariah Criminal Offences Enactment of Sabah. (1995). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/a24f10def0a59d1e4825761f00281c44?OpenDocument.
- Enactment no. 4 of Criminal Offences in the Syarak Enactment of Negeri Perlis. (1991). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Upd.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/3fedd97c89e2e8d3482576c500231b7e?OpenDocument.
- Enactment no. 4 of Syariah Criminal Enactment of Negeri Sembilan. (1992). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Upd.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/34aacaaf e7dbde274825763b0027fecc?OpenDocument.

- Enactment no. 4 of Syariah Criminal Offences (Hudud and Qisas) Enactment of Terengganu. (2002). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/eb184e29f5fa06884825765f00040fc0?OpenDocument.
- Enactment no. 4 of Syariah Criminal Offences Enactment of Johor. (1997). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Ori_lib.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/3f7f4673a90e5f2c48257679000ddf32?OpenDocument.
- Enactment no. 9 of Syariah Criminal Code Enactment of Kedah. (1988). Retrieved from http://www2.esyariah.gov.my/esyariah/mal/portalv1/enakmen2011/Eng_enactment_Upd.nsf/f831ccddd195843f48256fc600141e84/c66a68b5287f6e52482576c10010f9cd?OpenDocument.
- Enactment no. 9 of Syariah Criminal Offences Enactment of Selangor. (1995). Retrieved from <http://www.esyariah.gov.my/portal/page/portal/Portal%20E-Syariah%20BI/Portal%20E-Syariah%20Carian%20Bahan%20Rujukan/Portal%20E-Syariah%20Undang-Undang/Portal%20E-Syariah%20Undang2%20Selangor>.
- Ibrahim, Hauwa and Lyman, Princeton N. (2004). Reflections on the New rrrr i'a wwwin Nigrrria, New York and Washington, the Africa Policy Studies Program at the Council on Foreign Relations, Retrieved from https://www.cfr.org/content/publications/attachments/Reflections_on_the_New_Sharia_in_Nigeria.pdf.
- Kamali, Mohammad Hashim. (1998). «Punishment in Islamic Law: a Critique of The Hudud Bill of Kelantan, Malaysia», *Arab Law Quarterly*, Vol. 13, No. 3.
- Mir-Hosseini, Ziba and Hamzić, Vanja. (2010). *Control and Sexuality The Revival of Zina Laws in Muslim Contexts*, London, Wluml - The Russell Press, First published.
- Ostien, Philip. (2007). *Sharia Implementation in Northern Nigeria 1999-2006: A source- book*, Ibadan, Spectrum Books, First published.
- Penal Code of Maldives. (2014). Retrieved from <https://www.law.upenn.edu/live/files/4203-maldives-penal-code-2014>.
- Peters, Ruud. (2001). *The reintroduction of Islamic criminal law in Northern Nigeria*, Lagos, European Commission.
- Qanun Aceh Nomor 6 Hukum Jinayat. (2014). Retrieved from <https://dsi.acehprov.go.id/wp-content/uploads/2017/02/Qanun-Aceh-Nomor-6-Tahun-2014-Tentang-Hukum-Jinayat.pdf>.

- Robinson, Paul H. (2006). «Final Report of the Maldivian Penal Law & Sentencing Codification Project: Official Commentary», U of Penn Law School, *Public Law Research Paper* No. 09-38.
- The Offence of Zina (Enforcement of Hudood) Ordinance of Pakistan. (1979). Retrieved from <http://pja.gov.pk/system/files/Offence%20of%20Zina%201979.pdf>.
- The Syariah Penal Code Order of Brunei (2013), Retrieved from http://www.agc.gov.bn/AGC%20Images/LAWS/Gazette_PDF/2013/EN/s069.pdf.
- Weimann, Gunnar J. (2010). *Islamic Criminal Law in Northern Nigeria: Politics, Religion, Judicial Practice*, Amsterdam, Amsterdam University Press.

